



فلسفه سیاسی علامه طباطبایی آری یا نه؟

احمد رضا یزدانی مقدم، عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در گفت‌وگو با «مهر» درمورد جایگاه فلسفه سیاسی در آرا و اندیشه‌ها و آثار علامه طباطبایی گفت: «برخی آثار علامه طباطبایی، در باب فلسفه سیاسی است و خود او هم انتقادات به‌مطلب داشته است؛ گرچه به جای تعبیر فلسفه سیاسی از فلسفه اجتماعی اسلام یاد می‌کند.»

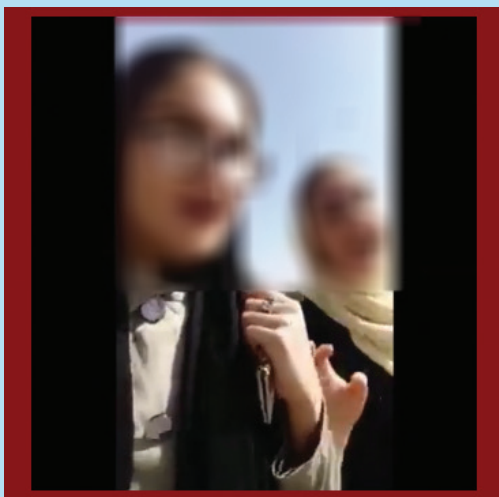


عبدالله جواد...

استاد دانشگاه شهید رجایی

سیطره جهان مجازی بر جهان واقعی

خودکشی در غیبت معنا



خانواده‌ها توصیه کردند تا مراقب فرزندان شان باشید. بله، مراقبت از فرزندان جزء وظایف اصلی خانواده‌هاست اما این به معنای برداشتن مسئولیت از دوش جامعه و نهاد‌های اجتماعی نیست. نهاد‌های آموزشی‌ای چون آموزش و پرورش در تربیت و آموزش مهارت‌های زندگی مسئول هستند.

در این فضا، معنایی نیست تا بر اساس آن، زندگی ادامه یابد. در بی تفاوتی وجودی، پایان دادن به زندگی بسیار راحت‌تر از ادامه آن است. استیسی، مقاله‌ای دارد با این عنوان که در بی معنایی معناست. او در این مقاله کوشش می‌کند تا در غیبت مولفه‌هایی چون خدا و سعادت، معنای زندگی بشر امروز را جست‌وجو کند و در این جست‌وجو به این نتیجه می‌رسد که امور دمدستی دنیوی می‌تواند ما را به ماندن در این دنیا ترغیب کند و جلوی خودکشی را بگیرد. اما از آنجا که امور دنیوی ثبات ندارند مدام معنای زندگی به محاق می‌رود و شما باید

حوادث دلخراش و هولناکی مثل حادثه خودکشی دو دختر در اصفهان multi causal و یکسره نمی‌توان آن را به فضای مجازی نسبت داد یا صرفاً در میان عوامل اقتصادی یا فرهنگی در پی‌رگ‌وریشه‌های آن گشت، بلکه مجموعه‌ای از عوامل دست به‌دست هم‌دادند تا این سقوط تلخ رخ دهد.

به لحاظ فلسفی، انسان و ذهن و زبان او در عالم جدید تغییر کرده است و فضای مجازی، امتداد ذهن او شده و این تغییر وجودی، گاهی میوه‌های تلخی به بار می‌آورد؛ میوه‌هایی چون فردگرایی افراطی و بی تفاوتی وجودی و ساختن معنای دمدستی برای زیستن و مسخ وجودی. در اینجا سعی می‌کنم براساس سه گانه «بی تفاوتی وجودی و ساختن معنای دمدستی برای زیستن و مسخ وجودی در پی فضای مجازی به مثابه امتداد ذهن» به تحلیل حادثه تاسف‌بار خودکشی در اصفهان بپردازم. بی تفاوتی وجودی در دو ساخت فردی و ساختاری ظهور می‌یابد. بی تفاوتی وجودی در ساخت فرد، انسان را نسبت به همه مسئولیت‌های اجتماعی و فردی بی تفاوت می‌کند. در این فضا، نه خدا، نه ارزش‌های الهی و نه ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی هیچ کدام مورد توجه نیست و بودن و نبودن آنها علی‌السویه است و هرم ارزشی وارونه شده و خدا و ارزش‌های الهی در این هرم غایب است. در بی تفاوتی وجودی در ساخت ساختار، نهادی مسئولیت مستقیم یا غیرمستقیم در قبال ناهنجاری‌های اجتماعی ندارد. بسیاری پس از شنیدن خبر هولناک خودکشی در اصفهان، از مردم گرفته تا برخی مسئولان به



نویسنده: بین تار نوف

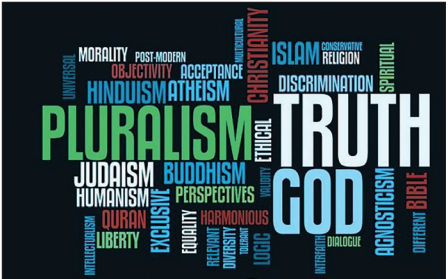
مترجم: محمدحسین پرویان

زمانی همه عاشق اینترنت بودند. اینترنت باعث می‌شد که ما احساس کنیم آزادتر، پولدارتر و باهوش‌تر هستیم. باعث می‌شد شهروندان، مصرف‌کنندگان و درکل انسان‌های بهتری باشیم. این خوش‌بینی دیجیتال ابتدا در دهه ۱۹۹۰ به‌ماداده شد، وقتی که رونق تجارت الکترونیکی به چیزی شبیه به یک دین و مذهب تبدیل شده بود و باید گفت که حتی با اینکه توهمات و افکار غلط آن دهه از بین رفته‌اند اما هنوز هم آن خوش‌بینی وجود دارد.

اخیراً این ایمان شروع به‌ازهم‌پاشیدن کرده است. بعد‌ها تاریخ‌نویسان زمان دقیق این اتفاق را خواهند نوشت اما دو مورد آسیب‌زننده به این ایمان، افشاگری‌های ادوارد اسنودن و انتخاب دونالد ترامپ است. ادوارد اسنودن آشکار کرد که تا چه حد شرکت‌های اینترنتی درباره افراد اطلاعات دارند و به چه آسانی این اطلاعات می‌توانند در دسترس آژانس‌های دولتی قرار گیرد. دونالد ترامپ نیز نشان داد که صنعت تکنولوژی با چه وسعت و عمقی می‌تواند جامعه را شکل دهد و چقدر کم برای هنجارهای اساسی مدنی، اهمیت قائل می‌شود. کتاب فرانکلین فوئر به این چرخش علیه تکنولوژی‌های بزرگ مربوط می‌شود که اتفاقاً در زمان خوبی هم پدیدار شده است، یعنی زمانی که اخبار، مدام درباره شیطنت‌ها و مودی‌گری‌های تکنولوژی‌ها می‌گوید؛ از علاقه فیسبوک به ترول‌های روسی گرفته تا سازماندهی مجدد و اجباری گوگل برای یک بانک اطلاعاتی مهم در واشنگتن. کتاب فوئر برای خوانندگانی است که آماده هستند تا نقشی را که تکنولوژی در زندگی‌شان بازی می‌کند، بازبینی کنند و به‌شرکت‌هایی

دانشگاه کلمبیا در جنوب غرب آسیا برگزار می‌کند

موسسه دین، فرهنگ و زندگی عمومی، در دانشگاه کلمبیا، کنفرانس «پلورالیسم درحال ظهور: جنبش، فضا و تفاوت مذهبی» را ششم تا هفتم دسامبر ۲۰۱۷ برگزار می‌کند. این کنفرانس ابتدا در عمان برگزار می‌شود، سپس در تونس. «پلورالیسم در ظهور» نقش پلورالیسم در پاسخ به بحران‌های جهان معاصر را مورد بررسی قرار می‌دهد.



کنفرانس الاهیات تحلیلی برگزار می‌شود

مرکز ترویج فلسفه دین به‌منظور ترویج الهیات تحلیلی در میان متکلمان و دانشمندان حوزه دین، هفتمین سخنرانی خود از مجموعه سخنرانی‌های فلاسفه و متکلمان برجسته را در کنفرانس سالانه الهیات تحلیلی برگزار می‌کند. موضوعات مربوط به جلسات به‌طور معمول به‌گونه‌ای انتخاب می‌شوند که به‌طور طبیعی مربوط به موضوعات کارگاه قبلی لوگوس باشد.



شروع مجدد دنیای مجازی در دنیای حقیقی وجود ندارد

ابر بحران دنیای ناقشنگ نو



به کنش بزند چه می‌شود؟ این ذهنیت نتایج فاجعه‌بار برای انسان مجازی شده و خوابگرد به همراه خواهد داشت. انسانی که همه اجزای جهان واقعی را به بازی گرفته‌با حقیقت مهمی چون مرگ نیز بازی می‌کند. اینها نتیجه سازمان نهاد تفریح در دنیای مدرن است. نهاد تفریح در دنیای مدرن تغافل، خلسه، مجازی شدن و خوابگردی را در سازمان‌های تفریحی نظیر بازی‌های ویدئویی، شبکه‌های اجتماعی، سینما و... برای انسان به‌ارمغان می‌آورد. وجدانی کردن این بازی‌ها و نهادینه شدن آن در انسان‌ها حاصلش جدی نگرفتن مخاطرات جهان حقیقی است. جهانی که انسان یک بار فرصت زیست در آن را دارد و اولین اشتباه مهیب آخرین اشتباه اوست و هیچ شروع مجددی در آن در کار نیست.

به مراتب خطرات کمتری به همراه دارد. مثل یک Game که در آن هر بلایی هم که بر سر شخصیت بازی می‌افتد مجدداً قابل بازیابی است و حتی Game Over شدن در چرا که خلسه خلاصی از آوار مشکلات دنیای واقعی است. اما این برهم کنش در دنیای واقعی، نوعی خواب‌گردی را به وجود خواهد آورد که در نهایت فاجعه‌بار خواهد بود. در دنیای واقعی دیگر Game Over وجود ندارد. اشتباه و حرکت اشتباه به واقع Shut Down است. دنیای واقعی، دنیای بازی نیست؛ شروع مجدد ندارد. هر آنچه انسان در دنیای واقعی در بعد زمان و مکان طی می‌کند غیرقابل تکرار است. انسان مجازی شده با خلسه تکرارپذیری بازی‌ها اگر بخواهد در جهان بی‌تکرار واقعیت دست



محمدحسن راحمی

روزنامه‌نگار

ابر بحران دنیای ناقشنگ نو، بحران حقیقت است؛ بحرانی که در همه ابعاد زندگی نفوذ کرده و همه ساحات وجودی انسان را درنوردیده و به‌صورت دومینووار خرده بحران‌های دیگری را آفریده است. بحران هویت، بحران معنا، بحران محیط زیست، بحران‌های اجتماعی، سیاسی و حتی اقتصادی ریشه در همین مگابحران اصلی یعنی «بحران حقیقت» دارند.

با وجود ست جاندان دینی و فرهنگی، این «بحران حقیقت» نسل جدید ما را نیز گروگان گرفته است. سرعت سرسام‌آور انتقال جامعه از «اینرسی سنت» به حرکت پرشتاب و بی‌محایای دنیای مدرن، شکاف‌هایی را ایجاد کرده که نسل‌نوی انسان ایرانی را در خود بلعیده است و هر از گاهی از درون این دره عمیق خبرهایی می‌رسد که چون نعره‌هایی از ژرفای جامعه برمی‌خیزند و پرده‌های گوش را می‌خرانند. در دنیای جدید ما، «مجاز» جای «حقیقت» نشسته است. دیدار با هر انسانی ملاقات با دو ساخت وجودی متفاوت است؛ یکی نشئه‌ای مربوط به دنیای رُئال و عینی و دیگری شخصیتی که ملهم از وجود مجازی او در شبکه‌های اجتماعی است. گسست و فاصله‌بعید این دو ساخت، خلأیی اساسی به وجود آورده است به گونه‌ای که برای فرد، تفکیک این دو جهان از هم به‌واقع دشوار می‌نماید. در دنیای حقیقی خلعت مجازی را با خود به همراه دارد و در دنیای مجازی به‌شدت متأثر از سوز و واقعی خود است. بر هم کنش این دو در دنیای مجازی

مروری بر کتاب «دنیای بدون ذهن: تهدید وجودی تکنولوژی‌های بزرگ» اثر فرانکلین فوئر

فروپاشی عشق و ایمان به جهان مجازی

به وجود آمدن خلاقیت، فرهنگ و افکار پیچیده می‌شود از بین ببرد.

پذیرش افراد به این ادعاها به تأثیرپذیری زندگی آنها از تکنولوژی بسیار مرتبط است. زندگی خود فوئر نیز تحت تأثیر این شرایط بوده است. در سال ۲۰۱۲، یکی از پایه‌گذاران فیسبوک به نام کریس هیوز، مجله New Republic را خرید و فوئر را به‌عنوان ویراستار، استخدام کرد. فوئر می‌گوید که رابطه‌اش با هیوز در ابتدا بسیار خوب شروع شد اما وقتی هیوز درخواست کرد که با تبدیل شدن به یک شرکت تکنولوژیکی، از طریق تعداد کلیک‌های بیشتر بر محتواهایشان، سودآوری کنند، روابط هیوز و فوئر تیره و تار شد، چرا که وی با این کار مخالفت می‌کرد. در سال ۲۰۱۴، هیوز، فوئر را اخراج کرد و این باعث استعفاي دومس کارمندان نیز شد.

جوامع اینترنتی مانند شبکه‌های اجتماعی، بدون تکنولوژی‌های جدید ارتباطی نمی‌توانند وجود داشته باشند و این ارتباط همان چیزی است که فوئر بیشتر از هر چیز دیگری از آن می‌ترسد و به آن «ذهن کندویی» می‌گوید که مانند کندوی زنبور، مرکز تجمع همگان است. فوئر در دره سیلیکون، فقط صنعت را نمی‌بیند بلکه یک کمپین



جمعیت شبکه‌شده، انطباق و هم‌نوایی را تقویت می‌کند، الگوریتم‌ها، فکر کردن را برای ما غیرممکن می‌کنند. فوئر در کتابش از خواننده می‌خواهد از لذت‌های آسان و راحت تکنولوژی به خاطر «تغذیه‌ی پایدار زندگی معاصر» که یک جریان آرام‌بخش برای روح انسان است، صرف‌نظر کند

جمع‌گرایی اجباری را می‌بیند که نبوغ فردی را با خرید جمعی جایگزین می‌کند. جمعیت شبکه‌شده، انطباق و هم‌نوایی را تقویت می‌کند. الگوریتم‌ها، فکر کردن را برای ما غیرممکن می‌کنند. فوئر در کتابش از خواننده می‌خواهد از لذت‌های آسان و راحت تکنولوژی به خاطر «تغذیه‌ی پایدار زندگی معاصر» که یک جریان آرام‌بخش برای روح انسان است، صرف‌نظر کند.

اما افراد زیادی هستند که اصلاً زندگی معاصر را آنقدرها خوب برای روح و روان‌شان نمی‌دانند و افراد دیگری هم هستند که ترجیح می‌دهند از شکل‌های جدید مشارکت که توسط اینترنت ایجاد شده‌اند، تغذیه کنند. توصیه کتاب خواندن به این افراد کمک شایانی به تحت کنترل درآوردن نیروی روبه رشد دره سیلیکون بر زندگی ما، نمی‌کند. در بهترین حالت به یک سبک زندگی نتیجه می‌دهد و در بدترین حالت، می‌تواند شرکت‌کنندگان احتمالی در یک جریان سیاسی برای رام کردن صنعت تکنولوژی را منحرف کند. با بالاگرفتن شک و تردیدها درباره دره سیلیکون، موقعیت خوبی پیش آمده است تا بتوان درباره چگونگی ساماندهی به تکنولوژی به شکلی مفید برای همگان و نه فقط تعدادی از مدیران اجرایی و سرمایه‌گذاران، بحث کرد.

فوئر در کتابش می‌نویسد: «ما بیشتر از آنکه به انسانیت‌مان که همان چیزی است که واقعاً برای ما باقی می‌ماند، توجه کنیم، به راحتی و کارایی ابزارها می‌اندیشیم و خودمان را به این شکل اغفال کرده‌ایم» اما به نظر حرفی اشتباه می‌آید. ما می‌توانیم توییت، فیسبوک و باقی ابزارهای ساخته‌شده را داشته‌باشیم و آن‌ها استفاده کنیم اما همزمان انسانیت‌مان را نیز از صدمه دیدن، حفظ کنیم.

منبع: گاردین

